

رونق صفحات ادبیات مثل

روزنامه «جام جم»

شعر، با آن‌که بیش از واقعیت، با خیال نسبت دارد اما بدون پیوند با «زندگی و انسان» چیزی نخواهد بود جز بازی و سرگرمی با کلمات. شعر از جهات گوناگون با زندگی و انسان سر و کار دارد؛ نخست از آن روی که متکی بر زبان است و زبان حاصل پیوستگی ذهنیت انسان با عینیت زندگی است. دوم دیگر این‌که شعر مایه‌های فکری و تصویری خود را از جهان پیرامون کشف می‌کند و برمی‌گزیند و صورت هنری به آن می‌بخشد. دیگر این که شعر، پس از آفرینش و نوشته شدن، تمام نمی‌شود و هستی شعر در چگونگی عرضه آن به مخاطبان و خوانندگانش شکل می‌گیرد. همچنین واکنش مخاطبان شعر و مشارکت آنها در بازآفرینی جهان ممکن است که در شعر تصویر شده است، در دوران جدید بسیار اهمیت یافته است.

شیوه‌های جدید عرضه شعر به خوانندگان و خوانندگان شعر، پس از رواج چاپ و به‌دنبال آن آمدن مطبوعات افزون بر تأثیری که در گسترش دامنه مخاطبان شعر داشت و نیز افزایش سهولت و سرعت انتشار شعر، به‌طور متقابل به تأثیریذری شاعران از زبان و ذائقه مردم نیز دامن زد؛ از آن‌رو که شعر، زبان گفت‌وگوی شاعران و دوستداران شعر شد. به همین سیاق، بسیاری از مردم به‌واسطه مطبوعات با شعر آشنا شدند و به علت مباحث تحلیلی و آموزشی درباره شعر که در صفحات ادبی مطبوعات درج می‌شد، فنون شاعری و نقد شعر از محافل ادبی به محافل عمومی و حتی جمع‌های دوستانه و خانوادگی راه یافت.

در روزگار رونق نشریات، بسیاری از مردم از طریق صفحات ادبی روزنامه‌ها و مجلات با جهان شعر آشنا شدند و البته برخی از آنان تجربه‌های آغازین سرودن را از همین مسیر دنبال کردند؛ چندان‌که جمعی از مشاهیر شعر امروز نخستین گام‌های شاعری خود را از منظرگاه نشریات آغاز کردند. حضور شاعران و ادیبان صاحب تجربه در مطبوعات و یادداشت‌ها و راهگشایی‌های ایشان، شعر را و فنون شاعری را به خوانندگان روزنامه‌ها و مجلات می‌آموخت و برای فرهنگ، زبان و شعر ایران ذخایر ارزشمند می‌آندوخت.

در کنار مطبوعات، رسانه‌های دیگر چون رادیو، نوارهای صوتی شعر و بعدها تلویزیون در ترویج شعر و مباحث پیرامونی آن و نیز معرفی شاعران نقش مؤثر داشتند. هم‌چنان‌که در سهولت و سادگی ارتباط مخاطبان شعر با مؤلفان سهیم بودند و به این طریق در تحولات زبان، زیبایی‌شناسی و دامنه موضوعی و مضمونی شعر اثرگذار بودند.

در سالیان اخیر، قابلیت‌های جدید ارتباطی و اینترنتی، هم بر سرعت انتشار شعر و ارتباط مؤلف و مخاطب بسیار افزوده است و هم وسعت جغرافیایی مخاطبان شعر بسیار گسترده است و از همه مهم‌تر دسترسی سریع و متقابل شاعر و خوانندگان است که نقشی بنیادین در تنوع زبانی و بیانی شعر دارد.

در دهه‌های پیشین، صفحات ادبی نشریات محل مجادلات داغ جریان‌ها و گرایش‌های گوناگون شعری بود و امروز وقتی از سی سال‌ها به آنها می‌نگریم، آن همه خشم و خروش و انکار و استهزای رقیبان، مضحک و پوچ به نظر می‌رسد؛ امروز که آن همه صمیمیت‌ها خاموش شده و به جای آن مباحثه و گفت‌وگو و نقد و تحلیل صفحات شعر نشریاتی مثل جام جم را رونق می‌بخشد گو آن‌که هرکدام از نشریات به تناسب مشی و مرام خویش، نخله‌ای از شعر را و گونه‌ای از نقد و زیبایی‌شناسی را برگزیده‌اند و طبعاً به معرفی و ترویج آنچه می‌پسندند می‌پردازند و از این میان دریغ بزرگ دوستداران شعر این است که در این همه سال‌ها از مشروطه بگیر تا همین روزهای اخیر، صفحات ادبی مطبوعات هیچ‌وقت از سایه سنگین و سهمگین قدرت و سیاست آسودگی نیافته است.

جایگاه مطبوعات با توجه به این که جهان به سوی اتفاق نوینی روی دارد بر همه چیز حتی پیش از شبکه‌های اجتماعی تأثیر خواهد داشت. به عبارتی بازه واردشدن ما به جهان هوش مصنوعی هستیم؛ دو جهان موسوم به ارزش افزوده و واقعیت افزوده همچنین دنیای مناورس. این رخداد بر فناوری ارتباطی، مناسبات انسانی ، مدیا و روزنامه‌نگاری تأثیر گذاشته است به دیگر عبارت فناوری ارتباطی، سه حوزه مطالعات ارتباطی و

روزنامه‌نگاری و فناوری ارتباطی

۲۴ سال از حیات روزنامه جام‌جم می‌گذرد و از امروز

وارد بیست و پنجمین سال فعالیت خود می‌شود. ربع قرن فعالیت در حوزه فرهنگ و هنر، باعث شد تا هنرمندان و فرهنگیان بسیاری قدم به تحریریه این روزنامه بگذارند و با چند نسل از خبرنگاران ما به گفت‌وگو بنشینند. این سال‌ها پر از خاطرات و هم‌محبتی‌هایی است که جملگی آنها بخشی از فرهنگ و تمدن ایران بزرگ را بازتابانی می‌کند. نام‌های بسیاری از میان اساتید سینمایی، نمایشی، تجسمی، موسیقی، ادبی و شاعران در این سالیان با جام‌جم هم‌کلام شدند که امروز سخنان آنها در آرشیو روزنامه به یادگار مانده است. به‌واسطه هویت فرهنگی جام‌جم، جامعه هنری و فرهنگی کشور از خوانندگان پروپاقرص روزنامه هستند و در آستانه بیست و پنجمین سالگرد روزنامه با برخی از این چهره‌ها به گفت‌وگو پرداختیم تا نظرات خود را درباره فعالیت‌های روزنامه با ما در میان بگذارند که در ادامه می‌خوانید.

«جام‌جم»، حاضر در جنگ رسانه‌ای

محمد حسین نیرومند: کار هنرمند تولید اثر هنری است و این کار هنری وقتی می‌تواند تأثیرگذار باشد که مخاطبانش افزایش پیدا کند. یکی از وظایف رسانه‌ها معرفی آثار هنری برای بهتر دیده شدن است؛ بنابراین، ارتباط رسانه و هنر دسویه است؛ یعنی تولیدکننده، اثر خلق می‌کند و رسانه به اثر برای دیده شدن ضریب می‌دهد و این، کار مهمی است. معتقدم رسانه‌های ما نمی‌توانند آثار تولیدی موجود در حوزه‌های مختلف را خوب معرفی کنند و اگر مقداری در این رابطه فعال شویم، آثار هنری بهتر دیده می‌شوند. وقتی مطلبی در رسانه مکتوب می‌آید، فرد برای خواندن، روزنامه و نسخه چاپی را می‌خرد، اما در فضای دیجیتالی این امکان وجود دارد که دنبال‌کنندگان رویدادی خاص، خبر را به همراه تصویر ببینند. به هر حال، شرایط به شیوه‌ای است که اتفاقات جدیدی را برای رسانه‌های مکتوب رقم می‌زند.

فکر می‌کنم نسلی که علاقه‌مند به روزنامه است و دوست دارد کاغذ را لمس کند، از بین رفته، اما تغییر نسل‌ها موجب تغییر ذائقه‌ها هم می‌شود. پیشنهادم برای بهتر شدن کار روزنامه‌ها این است که تصویر و گرافیک در روزنامه جدی گرفته شود و برای حرفه‌ای شدن، مطبوعات باید جدی‌تر به تصویر بپردازند. با این‌که گاه‌گاه کاریکاتور مطبوعات است، شاهد کارهای معمولی و ضعیف در این رابطه هستیم؛ در حالی که شاید بیش از ۷۰۰ نفر هنرمند کاریکاتوریست سطح بالا داریم. بنابراین، بهره‌نگرفتن از هنرمندان سطح بالا در زمینه کاریکاتور، درست نبودن گرافیک خبری و عکس در مطبوعات مکتوب مشهود است. با توجه به این‌که انقلاب اسلامی ما، انقلاب فرهنگی هم محسوب می‌شود، رسانه‌های ما مانند عملکرد روزنامه جام‌جم باید به شکل جدی‌تری به فرهنگ بپردازند. جنگ اصلی در حوزه فرهنگ است، چون با فرهنگ، افکار را تغییر می‌دهند و از آن برداشت سیاسی دارند این همان کاری است که دنیا با ما انجام می‌دهد.

وقتی باورها تغییرکنند، بستر برای بسیاری از اتفاقات تغییر می‌کند. اگر می‌خواهیم به شکل جدی وارد این جنگ پیچیده چند وجهی و شناختی شویم، همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب تأکید کردند، نقش رسانه‌ها و مطبوعات در این رابطه کلیدی است. ماجرای تنبیه رژیم صهیونیستی کار کمی نبود اما نتوانستیم این کار را در سطح جهان بازتاب دهیم. بنابراین، باید مسلح شویم و متأسفانه در این حوزه هم خیلی کم کار کرده‌ایم.

«جام‌جم» منبعی برای پژوهشگران هنر

محمد حسین دوانی: من اصولاً برای پیگیری، اخبار تلویزیون را تماشا می‌کنم و به‌دلیل مشغله کاری اما سؤال انجام پژوهش‌های مختلف، شاید فقط تیتیر روزنامه‌های کشور را مشاهده کنم. قبلاً یکی از مخاطبان جدی روزنامه‌ها بودم و همان‌طور که در

مطالعات رسانه و مطالعات روزنامه‌نگاری و تولید مطلب را متاثر از خود ساخته است. ما روزنامه‌نگاران در میانه همابوردی خرد و تکنولوژی، چراغ روشنی‌افروز را خرد را جوانا وظیفه به دست داریم. ماهستیم که باید هوشیارانه حضور داشته باشیم در آن عرصه‌هایی که انسان را به مطالعه و تفکر وامی‌دارد. تولید داده‌های فناوریانه هوش مصنوعی تا بدانجاوح می‌گردد که انسان از خود فارغ می‌شود و احساس بیهودگی می‌کند تا آنجا که انسان

خود خود را از آنجا که انسان

امور مختلف، گرفتاری‌های کاری سر ما را سلوغ کرده، در موضوعات شخصی‌تر مثل نماز اول وقت خواندن و مطالعه روزنامه و... خیلی جزئیات دیگر از زندگی وضعیت فرق کرده و همیشه درگیر کار هستیم و کارها هم مدام به تأخیر می‌افتد اما فضای مجازی و بسترهای تازه هم در این تحولات زندگی بی‌تأثیر نیست.

من فکر می‌کنم کمتر می‌توان به اخبار فضای مجازی استناد کرد و همچنان برای من خبری که در روزنامه منتشر می‌شود اعتبار بالاتری دارد. به‌نظرم آسیب‌شناسی وضعیت رسانه‌ها به‌صورت مداوم به آنها کمک می‌کند و در حفظ حیات آنها مؤثر است. ما برای انجام پژوهش‌های مختلف به روزنامه‌های بسیاری مراجعه می‌کنیم و از این منظر روزنامه‌ها مبنایی برای کارهای پژوهشی است. روزنامه جام‌جم هم با سابقه درخشانی که دارد برای تأثیرگذاری بهتر، اقدامات و عملکرد کارشناسی شده دارد.

جام‌جم مقابله با هجمه فرهنگی

محمد گلریز: رسانه‌ها، ازجمله روزنامه‌ه جام‌جم‌که شناخته‌شده‌تر است، بسیار می‌توانند منشأاثر باشند. علاوه بر این، جام‌جم رسانه‌ای تثبیت شده و معتبر است و همه، حرف‌های آن را قبول دارند و نویسندگان آن نیز بسیار ماهرند. ما امروز در معرض هجمه‌های فرهنگی و هنری در عرصه‌های مختلف هستیم؛ مگر این‌که دوستان هنرمند گاهی مصاحبه‌کنند و مسائلی را که به ذهن‌شان می‌رسد، روشن کنند و بگویند. درست است که ما هم وظیفه داریم این مسائل را عنوان کنیم اما رسانه‌ها و ازجمله روزنامه جام‌جم می‌تواند در این رابطه نقش به‌سزایی داشته باشد. اگر خود رسانه‌ها متوجه شدند که در معرض هجمه فرهنگی هستیم، باید پیشقدم شوند و با انعکاس به مردم و هنرمندان وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهند.

فکر می‌کنم حضور رسانه‌های مکتوب خیلی مؤثر است؛ چرا که وقتی دشمنان این مرز و بوم نتوانند با ما مقابله کنند، از راه فرهنگ نفوذ می‌کنند. به عنوان مثال، در زمینه موسیقی، هنرهای غرض‌ورزانه و مبتذل را میان جوانان رواج می‌دهند. شاهدیم که شعر و موسیقی پاپ امروز تا چه اندازه منحرف است و به‌هیچ‌وجه محتوا ندارد ، زمانی که گوش می‌دهیم، متوجه می‌شویم که از نظر ادبیات و صنایع شعری هیچ مفهومی ندارد و هدفمند نیست.

به عبارتی، انگار تنها می‌خواهند محتوایی را به خورد مردم و به ویژه جوانان بدهند و آنها را به انحراف بکشاند. وظیفه ما این است که در این رابطه مقابله کنیم، چون خطر بزرگی برای جوانان محسوب می‌شود. من در حال حاضر کنسرت‌ها را می‌بینم و با بعضی از تهیه‌کننده‌ها صحبت کردم ، متوجه شدم به قدری حمایت می‌شوند که گوش‌شان بدهکار این صحبت‌ها نیست و کار خودشان را انجام می‌دهند. کافی است تعداد موسیقی آجق و حق امروز را با تعداد موسیقی‌های فاخر مقایسه کنید، تا متوجه عمق خطر شوید. بنابراین، این رسانه است که می‌تواند به این مسائل بپردازد و تولیدات خوب موسیقی را تشویق کند. ثابت شده که امروز در معرض هجمه فرهنگی مبتذل هستیم و در این مواقع همه باید به میدان بیاییم ؛ روزنامه‌ها درباره کارهای خوب صحبت کنند و هنرمندان متعهد هم با تولیدات خود مقابل این جریان بایستند. در حال حاضر، به قدری موسیقی‌های بی‌محتوا در ذهن جوانان رخنه کرده که تحت تأثیر قرار گرفتند و این شکل از موسیقی را الگوی خود قرار می‌دهند. اگر همگی کمک کنیم، می‌توانیم از این مرحله گذرکنیم و جوانان رانجات دهیم. پیشنهادم این است که بیشتر به واقعیت‌ها و معضلات فرهنگی مثل موسیقی مبتذل پرداخته و صدقات‌های آن هم نوشته شود.

«جام‌جم» و کنشگری در حوزه فرهنگ

عبدالحیدر قدیریان: طبیعتاً مطالبی را که تمام رسانه‌ها چه نوشتاری و چه اینترنتی منتشر می‌کنند، تأثیر خود را بر مخاطب می‌گذارد اما سؤال اینجاست که ما انتظار چه نوع تأثیرگذاری را از رسانه‌ای مثل جام‌جم داریم؟ این موضوعی است که لازم است درباره آن صحبت شود. به عبارتی دیگر باید بدانیم به عنوان یک هنرمند



کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟

کدام روزگار را می‌پسندیم؟